

## فصل اول:

# تشریح مفاهیم و کلیات

### مبحث اول: مفهوم مسئولیت مدنی و مبانی آن

مسئولیت همواره تعهدی است که به صورت روزمره همراه اشخاص می‌باشد. از دیدگاه گسترده‌تر، موضوع مسئولیت مدنی تعهدات شهروندانی است که با احترام به مالکیت، و تعهد به رعایت شخصیت و حرمت آنان، و نیز تکلیف به جبران خسارت‌هایی که از نقض این تعهدها به بار می‌آید به بیان دیگر، در حقوق مسئولیت معین می‌شود که چگونه رفتاری زیبنده هر انسان در رابطه با دیگران است و چه قواعدی بر همگان تحمیل می‌شود تا از اضرار ناروا به همگان پرهیز کنند و در چه مواردی و چگونه باید زیان‌های وارد شده را جبران سازند.

### گفتار اول: تعریف مسئولیت مدنی

معنای مسئولیت، «پذیرفتن» یا «اجبارا ملزم یا متعهد شدن» است. اگر انجام فعلی (مثل پرداخت و استرداد عین و منافع یا امتیازات) یا ترک فعلی به عهده شخص گذارده شود، گفته می‌شود وی مسئول است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - داراب پور، مهرباب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، تهران، نشر مجد، ۱۳۷۸ ص ۲۲

مسئولیت مدنی از لفظ ضمان در فقه گرفته شده و لفظ ضمان مترادف است با کلمه فرانسوی که این کلمه به معنای مسئولیت قانونی می‌باشد، مسئولیت قانونی<sup>۱</sup> نوعی از مسئولیت است که در قانون پیش بینی شده و جزاء قانونی (مدنی - کیفری) برای آن معین شده است، مسئولیت قانونی دو قسم می‌باشد: اول مسئولیت مدنی و دوم مسئولیت کیفری که قدر مشترک آنها نقض الزام و تعهد است. در هر موردی که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند؛ در برابر او مسئولیت مدنی دارد این مسئولیت ناشی از اراده و اختیارات انسان است.<sup>۲</sup>

در واقع الزامی که برای هر شخص وجود دارد رعایت یکسری قوانین و مقررات است و بر این اساس اگر هرکس به دیگری ضرری وارد کند بایستی آن را جبران نماید که در فقه از آن به قاعده (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام)<sup>۳</sup> تعبیر شده است. (در اسلام هیچ گونه ضرری توجیه نشده است.)

مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری استعمال می‌شود. بنابراین مسئولیت مدنی عبارت است از الزام و تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است. بنابراین در هر موردی که شخص ناچار از جبران خسارت دیگری در مقابل زیان دیده باشد مسئولیت مدنی وجود دارد.<sup>۴</sup> گاه مسئولیت مدنی به معنی عام و در جایی بکار می‌رود که شخصی در برابر دیگری به سبب قانون شکنی یا پیمان شکنی و خسارتی که به او وارد کرده است پاسخگو قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر مسئولیت مدنی ضمانت اجرای نقض قانون و تعهد است که بر عهده فاعل زیان قرار می‌گیرد. ولی در اکثر موارد مسئولیت مدنی به معنای خاص استعمال می‌شود و این اصطلاح در برابر مسئولیت‌های ناشی از نقض قرارداد یا تاخیر در اجرای قرارداد (مسئولیت قراردادی) قرار می‌گیرد. مقصود از مسئولیت مدنی به معنای خاص آن است که شخصی به سبب ورود زیان به دیگری، بدون آن که بین آن دو قراردادی بسته شده باشد مسئول قرار بگیرد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - Responsabilite Legal

<sup>۲</sup> - اکبری، موسی الرضا، مفهوم مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی / قسمت اول، نشریه دادرسی، خرداد و تیر ۱۳۸۴، شماره ۵۰

<sup>۳</sup> - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۳۴

<sup>۴</sup> - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۷، ص ۶۴۵

<sup>۵</sup> - قاسم زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۳

## گفتار دوم: مبانی نظری مسئولیت مدنی

همانگونه که هر اقدام عاقلانه‌ای، دارای علت و فلسفه‌ای می‌باشد، مسئول شناختن اشخاص به پرداخت خسارت یا استرداد عین یا پرداخت منافع مستوفات و غیر مستوفات نیز دارای مبنا و معیاری است. برای تعیین معیار مسئولیت مدنی، نظریات مختلفی ارائه شده است که تحت مبانی نظری مسئولیت مدنی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند.

### بند اول: نظریه تقصیر

بر اساس این نظریه فاعل زیان زمانی باید خسارت‌های وارده را جبران کند که مرتکب تقصیری شده باشد و زیان‌دیده باید تقصیر او را ثابت نماید یعنی علت مسئولیت خوانده فقط به خاطر تقصیری است که مرتکب شده است و زیان‌دیده باید به عنوان مدعی، تقصیر و رابطه علیت بین تقصیر فاعل زیان و زیان‌های وارده را اثبات نماید. هر کس که در نتیجه تعدی و تفریط، ضرر به دیگری وارد کند مسئول است، چنانچه وی در اقدامات زیانبار خویش مرتکب تقصیری نشده باشد مسئولیتی ندارد. معیار و ملاک فقدان یا عدم فقدان مسئولیت، وجود یا عدم وجود تقصیر است. تقصیر زمانی است که مقررات موضوعه زیر پا گذاشته شود و شخصی وظیفه و تکلیف قانونی را برای استقرار نظم در جامعه به عهده او قرار داده شده انجام ندهد. ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانسته و در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ آن را تعریف نموده است. بر این اساس، تقصیر عبارتست از عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود (تعدی) و ترک عملی که شخص می‌بایست انجام دهد (تفریط). تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی تقصیر را از بی احتیاطی و بی مبالاتی و عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی دانسته است.<sup>۱</sup> به موجب این نظریه فاعل هنگامی مسئول خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد که مرتکب تقصیری شده باشد و آن تقصیر هم علت ایجاد خسارت باشد. برخی از حقوقدانان در تعریفی که ارائه داده‌اند، هر فعل یا ترک فعل مغایر با مقررات کشور عرف یا قرارداد را تقصیر دانسته‌اند.<sup>۲</sup> برخی عنوان کرده‌اند: تقصیر انجام اقداماتی است که آسیب نامتعارفی وارد می‌کند و باعث ایجاد خسارت شده و نحوه انجام این اقدامات خارج از استاندارد معمولی و جا افتاده

<sup>۱</sup> - باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۴۹

<sup>۲</sup> - درودیان، حسنعلی، جزوه حقوق مدنی ۴، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۱۲۰

جامعه است که به وسیله قانون، برای حمایت دیگران در مقابل مخاطرات بزرگ و صدمات وضع شده است. گاهی گفته شده است که تقصیر «عمل غیر مشروع تجاوز به حقوق دیگران» است.<sup>۱</sup>

در مسئولیت‌های حقوقی نه تنها نادیده انگاشتن مقررات قانونی تقصیر محسوب می‌گردد بلکه هرگاه شخصی از رفتار شخص متعارف نیز منحرف شده باشد مقصر شناخته می‌شود، حتی اگر قصد اضرار نداشته باشد. نظریه تقصیر اعم از جزایی و مدنی بوده و اصل بر این است که زیان وارده کاملاً جبران شود. بنابراین ورود زیان مهمترین رکن ایجاد مسئولیت مدنی است. در فرض تقصیر، گاهی زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر عامل فعل زیانبار ندارد و تنها باید رابطه سببیت میان فعل زیان بار و زیان وارده را ثابت کند. این دیگر بر عهده خواننده دعوی مسئولیت مدنی است که برای رهایی خود از مسئولیت ثابت کند که مقصر نبوده است. از تقصیر می‌توان بعنوان تخلف نام برد که گاهی قراردادی و گاهی قهری است. در قراردادها که یک طرف تعهد به ایفاء تعهدی می‌کند در صورت تخلف نه تنها باید خسارت‌های ناشی از نقض عهد خود را جبران کند بلکه در صورت دریافت عوض قراردادی بیشتر موظف به عودت عوض است. تقصیر در مسئولیت‌های قهری نیز متصور است. در فرض که میان طرفین دعوی جبران خسارت، رابطه قراردادی معتبری که تنظیم کننده روابط بین طرفین باشد وجود نداشته باشد یا زیان دیده نخواهد براساس ضمان عقدی مطالبه حق خود کند بنابه نظر اقوی، حل و فصل اختلاف و تعیین مسئولیت احتمالی زیان زننده بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی قهری (ضمانت‌های قهری) صورت می‌گیرد. برای تحقق مسئولیت مدنی قهری و صرف نظر از استثنای مطرح قانونی اصولاً تحقق سه رکن ضروری است: فعل زیانبار، تحقق ضرر و رابطه سببیت میان فعل زیانبار و حدوث ضرر. بنابراین ضررهای حاصله از فعالیت رسانه‌ای را می‌توان در قالب تقصیر قهری بررسی کرد که در این بین با توجه به مبانی حقوقی اتلاف و قواعد تسبیب اگر زیان دیده بخواهد با استناد به قواعد اتلاف، جبران خسارت‌های وارده را بخواهد، باید لزوماً ارتکاب فعل مثبت (تعدی) زیان زننده را به اثبات برساند، ولی اگر بر مبنای

<sup>۲</sup> - داراب پور، مهرباب، پیشین، ص ۶۴

قواعد تسبیب عمل کند اثبات ترک فعل نیز ممکن است او را به مقصود برساند.<sup>۱</sup> تئوری تقصیر در قرن ۱۹ میلادی در انگلستان مورد دفاع نویسندگان زیادی واقع شد و تاکید فراوان بر تقصیر به عنوان پایه و اساس مسئولیت مدنی منجر به اهمیت یافتن بی احتیاطی به عنوان بنای مسئولیت مدنی در سیستم کامن لا گردید.

در نظریه مبتنی بر تقصیر، بی احتیاطی وارد کننده زیان در صورتی موجب جبران خسارت می شود که از وظیفه ای که بر عهده او بوده است عدول کرده و موجب ورود زیان به دیگری شده باشد. به موجب این نظریه که ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی کشورمان نیز مبتنی بر آن می باشد، هیچ شخصی در برابر دیگری مسئولیت ندارد مگر اینکه مرتکب تقصیر شده باشد. براساس تعریفی نیز که ماده ۹۵۳ قانون مدنی از تقصیر ارائه داده است، تقصیر اعم است از تعدی و تفریط. ماده ۹۵۱ همان قانون، تعدی را تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری تعریف نموده و براساس ماده ۹۵۲ تفریط عبارت از ترک عملی است که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر، لازم است. بر مبنای نظریه تقصیر، برای اینکه زیان دیده بتواند جبران خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر او سبب ورود خسارت شده است. در احراز تقصیر، زیان دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات آن را بیاورد. عیب این نظریه آن است که از ابتکار عمل، شکوفا شدن استعدادهای بهره گیری افراد از امکانات و سرمایه گذاری جلوگیری می کند. چون شخص سرمایه گذار در طول دوران سرمایه گذاری بیم ایجاد خسارت به دیگران را دارد.<sup>۲</sup>

### بند دوم: نظریه خطر

نظریه خطر را برخی از حقوقدانان<sup>۳</sup> عرب زبان تحت عنوان «نظریه تحمل التبعه» و برخی دیگر<sup>۴</sup> با عنوان «نظریه المخاطر» مورد مطالعه قرار داده اند. ملاک عمل در مسئولیت ناشی از

<sup>۱</sup> - صالحی، محمود، حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، نشر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۹

<sup>۱</sup> - کاتوزیان ناصر، پیشین، ص ۱۸۸ - ۱۹۰

<sup>۲</sup> - السنهوری، عبدالرزاق احمد، مصادر الحق فی الفقه اسلامی، المجلد الول، دارالاحیاء التراث العربی، بیوت، لبنان، ۱۹۵۴ م، ص ۱۰

<sup>۳</sup> - النقیب، عاطف، النظریه العامه للمسئولیه الناشئه عن فعل الغیر، چاپ اول، بیروت، پاریس (منشورات عویدات)، ۱۹۸۷ م، ص ۶۶

خطر رابطه علیتی است که میان فعالیت شخص و خسارت زیان دیده وجود دارد. در این فرضیه کسی که فعالیت او زیانی به دیگری رسانیده است مسئولیت دارد و هرکس باید خطرات فعالیت خود را بر عهده بگیرد.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر در این نظریه لازم نیست که زیان دیده برای مطالبه فرد و زیان، تقصیر فاعل را اثبات نماید بلکه کافی است که متضرر ثابت نماید که خسارت وارده ناشی از فعل طرف می‌باشد و در نتیجه، تقصیر شرط مسئولیت فاعل محسوب نمی‌شود و هر کس به دیگری خسارت وارد نموده است مکلف به جبران آن می‌باشد.<sup>۲</sup> در واقع این نظریه، مسئولیت بر پایه تقصیر نیست و زیان دیده از اثبات تقصیر معاف است. بنابراین اثبات ادعای مسئولیت مدنی و جبران خسارت براساس این نظریه سهل است. حذف تقصیر در اثبات کار را دشوار می‌سازد و همین انتقادات فراوان به نظریه خطر وارد کرده است؛ از آن جمله نظریه خطر در برابر انتفاع مادی است که هر کس از کاری سود می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را تحمل کند. نظریه خطر نامتعارف نیز به نامتعارف بودن فعالیت براساس ضابطه‌ای که عرف تعیین می‌کند اشاره دارد. مطابق این نظریه هرکس در اثر انجام فعالیت خود خطرهایی ایجاد می‌کند و موجب زیان می‌شود، مسئول است. بر پایه این نظریه چنانچه در اثر عمل شخص یا اشخاصی وابسته به او یا اشیاء تحت تصرف او خسارتی به دیگری وارد آید، عامل زیان مسئول جبران خسارت است مگر بتواند خلاف آنرا ثابت کند.<sup>۳</sup>

به عبارت دیگر از مهمترین عوامل موثر در تکوین و تحقق نظریه خطر، عامل عملی یعنی مشکل بودن اثبات تقصیر از جانب زیان‌دیده است. عنصر تقصیر از ارکان مسئولیت مدنی به منظور تسهیل اثبات مسئولیت و سهولت در امر جبران خسارت شد. بنابه مراتب فوق می‌توان گفت که مسئولیت متصدی حمل و نقل در قانون مدنی عمدتاً مبتنی بر تقصیر است و مسئولیت متصدی در قانون تجارت مبتنی بر نظریه خطر می‌باشد.

<sup>۴</sup>- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۱۴

<sup>۱</sup>- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی، ص ۱۲ تا ۱۶

<sup>۲</sup>- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰

اقسام نظریه خطر به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- نظریه خطر در برابر انتفاع مادی: هر کس که از کاری سود می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را تحمل کند.
- ۲- نظریه خطرهای ایجاد شده: بر اساس این نظریه فاعل فعل زیانبار مسئول هرگونه فعالیت زیانباری است که ایجاد کرده است خواه از آن عمل نفع مادی ببرد خواه معنوی.
- ۳- نظریه خطر نامتعارف: بر اساس این نظریه، تنها فعالیت‌های زیانبار غیرعادی و نامتعارف مسئولیت آوردند.

### بند سوم: نظریه مختلط

طرفداران این نظریه نیز برای هر دو نظریه فوق، سهمی قائل شده‌اند. بر اساس این نظریه هیچ یک از نظریه تقصیر و خطر به تنهایی نمی‌تواند مبنای مسئولیت قرار بگیرد و در تمامی زمینه‌ها پاسخگوی نیازهای اساسی جامعه باشد بلکه در پاره‌ای از موارد اجرای نظریه تقصیر و در پاره‌ای دیگر اعمال نظریه خطر مناسبتر است.<sup>۱</sup>

### بند چهارم: نظریه تضمین حق

این نظریه را حقوقدان شهیر فرانسوی بوریس استارک<sup>۲</sup> ارائه کرده است. او بر خلاف واضعان و طرفداران نظریه تقصیر و خطر بجای توجه و ارزیابی کار فاعل زیان به منافع از دست رفته زیان‌دیده و حقوق تضییع شده او عنایت داشته و همت خویش را در تضمین حقوق زیان دیده مصروف داشته است.<sup>۳</sup>

بر اساس انتقادات وارده بر دو نظریه فوق، نظریه «تضمین حق» نیز به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مورد اشاره قرار گرفت که به موجب آن به منظور حفظ حقوق زیان دیده، قانونگذار تلف کننده را مسئول شناخته است که این نظریه نیز در فرض ورود خسارت بدون ارتکاب تجاوز از جانب دیگران بواسطه ترجیح حق زیان دیده به شخصی که مسئول جبران است با اقبال زیادی روبه رو نگشت. هواداران این نظریه معتقدند که هر کس در جامعه حقی دارد و

<sup>۱</sup>-قاسم زاده، سید مرتضی، همان منبع، ۳۴۱

<sup>۲</sup>-boris starck

<sup>۳</sup>- پیشین، ص ۳۳۸